

متن سخنرانی حجت الاسلام محمد سعیدی آریا

به نام خداوند بخشنده مهربان ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است، ستایش خدایی که ما را به این راه هدایت کرد و اگر لطف الهی نبود، ما نیز هدایت نمی شدیم. سپاس و ستایش خدایی که ما را از تمسک کنندگان به ولایت امیرالمؤمنین و امامان معصوم (علیهم السلام) قرار داد و لعنت همیشگی بر دشمنان ایشان باد.

عرض سلام، ادب و احترام خدمت همه عزیزان و بزرگواران. امیدواریم که در تمامی ابعاد زندگی، توفیق بندگی و اطاعت خداوند را داشته باشیم.

ایام محرم در حال فرارسیدن است؛ ایامی که فرصتی برای تبلیغ فراهم می شود و ما باید وظیفه خود را در این مسیر به درستی ایفا کنیم. شاعر شیرین سخن چنین سروده است: "کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود."

مسئله تبلیغ، مسئله رساندن پیام است و اهمیت زیادی دارد. رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) فرموده اند که تبلیغ، رسالت نخست حوزه است. اگر رساله های فقهی را باز کنیم، نخستین مطلب آن این است که مسائلی که انسان غالباً به آن ها نیاز دارد، بر او واجب است که یاد بگیرد.

تبلیغ، صرفاً محتوا نیست؛ بلکه قالب تبلیغی نیز اهمیت دارد. قالب تبلیغی ما برگرفته از متون مذهبی است. ما بر منبر از "قال الصادق" و "قال الباقر" سخن می گوئیم و در این زمینه بحث می کنیم. اما نکته مهم، نحوه گفتار است؛ سلیقه در بیان نیز اهمیت دارد.

گاهی یک مطلب دقیق است و ارزش علمی بالایی دارد، اما سلیقه در بیان رعایت نمی شود. نمونه ای از این مسئله را می توان این گونه بیان کرد: روزی طلبه ای حالش بسیار وخیم شد و نزدیک به مرگ بود. دوستانش طبیبی را از روستای مجاور آوردند. یکی از طلبه ها که بر بالین او نشسته بود، تصمیم گرفت آیاتی از قرآن را برایش بخواند تا حالش بهتر شود. اما او این آیه را خواند: "قل إن الموت الذی تفرون منه فإنه ملائیکم" (سوره جمعه، آیه ۸)؛ یعنی آن مرگی که از آن می گریزید، بالاخره شما را ملاقات خواهد کرد."

متن آیه قرآن کاملاً صحیح بود، اما در آن موقعیت، انتخاب خوبی نبود. بنابراین، سلیقه در گفتار و انتخاب متن مناسب نیز یکی از اصول تبلیغ است.

مسئله رسانه نیز امروزه اهمیت بیشتری پیدا کرده است. مخاطب شناسی تغییر کرده است. زمانی که در مجلسی صحبت می کنیم و از ما فیلم برداری می شود، باید بدانیم که پیام ما صرفاً برای حاضرین نیست؛ بلکه ممکن است در سطح جهانی منتشر شود، بخشی از آن تقطیع شود، و در جهت تخریب دین مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، آگاهی از این مسئله و دقت در بیان مطالب امری ضروری است.

در این موقعیت خاص با شرایط جنگی همراه است، توجه به روحیه مردم اهمیت دارد. همان گونه که در دوران دفاع مقدس، شب های عملیات، عبادات و دعاها قوت قلبی برای رزمندگان ایجاد می کرد. یک محقق که درباره جنگ ایران مطالعه کرده بود، اشاره می کند که در شب های عملیات، رزمندگان به جای خوش گذرانی، به گریه و دعا مشغول می شدند؛ ذکر مصائب حضرت زینب (س) و امام حسین (ع) را می گفتند، نام های ایشان را بر پیشانی خود می نوشتند و با ایمان و صلابت وارد میدان نبرد می شدند.

غم امام حسین (ع) با سایر غم ها متفاوت است؛ این غم به معنای شکست نیست، بلکه روحیه بخش است. حضور در هیئت، خدمت در عزای ابا عبدالله (ع)، چه در قالب سخنرانی، چه در ریختن چای، و چه در برگزاری مراسم، افتخار است. این حس را باید درک کرد و برای آن اهمیت قائل شد.

در مسیر تبلیغ، اخلاص نیت از اهمیت بالایی برخوردار است. امام زین العابدین (ع) در دعای بیستم صحیفه سجاده می فرمایند: "و انتهب نیتی الا احسن النیات و بعملی الا احسن الاعمال"؛ خدایا، نیت مرا به بهترین نیت ها قرار بده و عملم را به بهترین عمل کرده ها.

بنابراین، باید نیت خود را خالص کنیم و از هرگونه ریاکاری دور باشیم. اگر نیت صحیح باشد، عملکرد نیز در مسیر درست قرار خواهد گرفت. تبلیغ باید منطبق بر نیازهای جامعه باشد و در جهت تقویت ایمان و امید مردم صورت گیرد.

ایجاد امید در جامعه امروز مسئله‌ای بسیار مهم است. امیدواریم که بتوانیم با اخلاص و در مسیر قرآن و اهل بیت (ع)، بهترین عملکرد را در تبلیغ داشته باشیم و موجب روشنگری و هدایت قلوب شویم.

اگر فرمانده کل قوای ما، خود امیرالمؤمنین علی (ع) باشد، جنگ صفین دیگر یک واقعه دور نیست، بلکه در ذهن ما زنده است. شاید هزاران بار درباره آن کتاب خوانده‌ایم و مطالب شنیده‌ایم. مالک اشتر، سرباز امیرالمؤمنین (ع)، شخصیتی ویژه دارد که امام علی (ع) بارها در وصف او سخن گفته است.

اگر امیرالمؤمنین (ع) فرمانده باشد و مالک اشتر، سرباز درجه یک ایشان باشد، باز هم ممکن است جنگ دچار شکست شود، زیرا زمانی که اشعث در لشکر امیرالمؤمنین (ع) حضور دارد و سخن مخالف می‌گوید، مردم را ناامید می‌کند. اشعث، لشکر را دچار یأس می‌کند، و ذهن مردم را با این سخنان مشوش می‌کند که اگر دشمن حمله کند، کار ما تمام خواهد شد، همه کشته خواهند شد، و زنان ما را به اسارت خواهند برد.

این حجم از ناامیدی، آن‌قدر بر سپاه اثر می‌گذارد که آن لحظات حساس فرا می‌رسد؛ همان لحظه‌ای که صدا را همه شنیده‌اند: "مالک، اگر می‌خواهی علی را زنده ببینی، برگرد! تنها چند لحظه باقی مانده تا کار تمام شود، تا امیرالمؤمنین (ع) پیروز شود، تا چشم فتنه کور گردد، تا مسیر تاریخ تغییر کند." اما اشعث‌ها مأموریت خود را خوب می‌شناسند ناامیدی را القا می‌کنند.

در مقابل، ایجاد امید ضرورتی اساسی دارد. دشمنان پیامبر اکرم (ص) زمانی که فریاد زدند: «لنا عزی و لا عزی لکم» "ما بت عزی داریم و شما ندارید"، امیرالمؤمنین (ع) بلافاصله پاسخ داد: «الله مولانا و لا مولی لکم» (خداوند مولای ماست). این همان روحیه امیدواری است که از جریان امام حسین (ع) یک انقلاب بیرون می‌آورد.

این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است؛ جمله‌ای که مرحوم امام خمینی (ره) بارها بر آن تأکید داشت. اما هنر یک مبلغ این است که بتواند این مفاهیم را به شکلی بیان کند که تزلزل ایجاد نشود.

استحکام در مردم، قدرت و ایمان ایجاد می‌کند. ما به فضل الهی، از شرایط بسیار سخت‌تری عبور کرده‌ایم. خداوند حاج قاسم سلیمانی را رحمت کند؛ او از خاطرات حضرت امام (ره) نقل می‌کرد که وقتی قبل از انقلاب، امام (ره) را از قم به تهران بردند، ابتدا چند کیلومتر در جاده آسفالت حرکت کردند، سپس وارد جاده خاکی شدند و بیست دقیقه در مسیر فرعی رفتند. امام (ره) می‌گوید: "یقین کردم که می‌خواهند مرا بکشند." اما سپس مسیر تغییر کرد و آنان دوباره وارد جاده آسفالت شدند و به سمت تهران رفتند. امام (ره) در این لحظات به درون خود نگاه کرد و چنین گفت: "در آن لحظه‌ای که یقین داشتم خواهم مرد، و در آن لحظه‌ای که یقین داشتم زنده خواهم ماند، هیچ تغییری در من ایجاد نشد؛ هیچ تزلزلی در ایمان و آرامش من به وجود نیامد."

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» نفس مطمئن، همان نفسی است که آرامش دارد.

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه متقین می‌فرماید که انسان‌های باتقوا کسانی هستند که عظمت خداوند در وجودشان قرار دارد و در نتیجه، هر چیزی غیر از خدا برایشان کوچک و بی‌ارزش است. این همان باور است که امام خمینی (ره) با استناد به آن می‌گفت: "آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند."

تمام قوم حضرت موسی (ع) زمانی که کنار رود نیل گرفتار شدند، دستانشان را بالا بردند و فریاد زدند: «إِنَّا لَمُدْرَكُونَ». «کارمان تمام است، گرفتار شده‌ایم، هیچ امیدی باقی نمانده است. اما تنها یک نفر بود که استدلالش متفاوت بود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي» خدای من با من است.

این نگاه ایمانی، رمز پیروزی است.

در قرآن کریم، ۱۰۹ بار در ۱۰۲ آیه، کلمه "حسب" با سیاقی منفی به کار رفته است. توجه کنید: (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) "آن‌ها را مرده نپندارید، بلکه نزد پروردگارشان زنده‌اند و روزی می‌گیرند.

خداوند می‌فرماید که کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند را نباید مرده انگاشت. شاید جسمشان تکه‌تکه شده باشد، شاید سر در بدن نداشته باشند، اما خداوند محاسبه‌ای متفاوت دارد آن‌ها زنده‌اند، روزی دریافت می‌کنند.

محاسبه خداوند با محاسبه ما متفاوت است.

آن یزید ملعون، حساب و کتاب بسیاری کرده بود، و هدفش این بود که هیچ چیز از دین باقی نماند. او در مجلسی فریاد زد: «فلا خبر جا ولا وحی نزل» نه خبری از دین آمد، نه وحی‌ای نازل شد.

یزید، دین پیامبر اکرم (ص) را نفی کرد، اما کدام محاسبه درست بود؟ امروز، دین خدا پابرجا مانده است، و هیچ اثری از یزید باقی نمانده است. امروز در سراسر عالم، ندای "یا حسین، یا حسین" طنین‌انداز است؛ رمز ماندگاری این نام، اتصال آن با حقیقت است. این پیام در میان مردم نهادینه شده است، زیرا تجلی خداوند را پررنگ ساخته است.

اگر محاسبات را محدود به جنگ، موشک، مبارزه و قوانین فیزیکی کنیم، درک ناقصی از واقعیت داریم. بسیاری مواقع، مفهوم "یعدکم الفقر" (به شما وعده فقر می‌دهد) دقیقاً در قالب تحریم‌ها ظاهر می‌شود. این همان وعده‌ای است که دشمن به مردم می‌دهد تا آنان را دچار ناامیدی کند. اما امیدبخشی، وظیفه همه ماست.

در بزنگاه‌های تاریخی، همواره منبرها و روحانیت بوده‌اند که مردم را هدایت کرده و با ظلم مقابله کرده‌اند. در طول تاریخ، شهدای بسیاری از میان روحانیون و مبلغین برخاسته‌اند کسانی که روزگاری بر این منبرها نشستند و پس از آن، در راه حقیقت شهید شدند. امروز نیز همان رسالت ادامه دارد.

به فضل الهی، ما کمک خواهیم کرد تا نام و یاد حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام) زنده بماند؛ آن‌هم با استفاده از کلام ایشان و آیات قرآن کریم. این محاسبه باید در دل مردم زنده بماند این باور که خداوند با ماست. چنان‌که قرآن می‌فرماید: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ) "اگر یاری‌کننده خداوند باشید، او شما را یاری خواهد کرد.

نصرت الهی، تعارف نیست. سابقه تاریخی آن را بررسی کنید؛ خداوند همان خداست، نه پیر شده، نه ناتوان گردیده، بلکه همواره قادر و مهربان است.

گاهی برای طلاب این‌گونه توضیح داده‌ام: بزرگ‌ترین چیزی که می‌توان اصل تداوم آن را اثبات کرد، خود خداوند است. خداوند فرموده است: "به عزت و جلالم، ناامید می‌کنم امید کسی را که به غیر من امید داشته باشد".

نباید امید مردم را به ابزارهای دنیایی محدود کنیم.

به یاد داشته باشیم که در شب عملیات‌های جبهه، چادر نماز شب بچه‌ها چه جایگاهی داشت، ضجه‌های طولانی‌شان، اشک‌های جاری‌شان، امیدی که از حضرت صدیقه طاهره (س) طلب می‌کردند.

امید دادن یک ضرورت است.

گاهی نقدهایی داریم که به جای سازندگی، موجب ناامیدی می‌شوند. اما اکنون، موقعیت جنگی است؛ اکنون زمان فریاد زدن است، اکنون زمانی است که روحانیت در تنگه اُحد قرار دارد. نباید این جایگاه را ترک کرد، زیرا دشمن در حال دور زدن است و روحانیت نقش کلیدی دارد. در حالی که نیروهای سپاه در مناطق مختلف وظایف نظامی خود را انجام می‌دهند، بخش تبلیغاتی این مبارزه بر عهده ماست. دشمن مرتکب خطای بزرگی شده و قبل از محرم حمله کرده است، اما به فضل الهی، ما نیز در همین محرم پاسخ محکمی خواهیم داد. این مبارزه را پیروزمندانه ادامه خواهیم داد.

همه ما باید وظایف خود را به درستی انجام دهیم و امیدوار باشیم که در پایان، عاقبت به خیر شویم. از شما عزیزان نیز درخواست دعا دارم. پروردگارا! به عزت امیرالمؤمنین (ع) و صدیقه طاهره (س)، ما را لحظه‌ای به حال خود وا مگذار. خدایا، ما را ببخش و بیامرز، و عاقبت همه ما را به خیر کن. خدایا، شر دشمنان اسلام و انقلاب، مخصوصاً این رژیم صهیونیستی کودک‌کش را هرچه زودتر به خودشان بازگردان. رهبر عزیزمان را در صحت و سلامت کامل، در کنف حمایت خود حفظ فرما. و فرج امام زمان (عج) را هرچه زودتر محقق گردان و ما را از یاران حقیقی ایشان قرار بده.

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.